

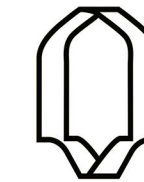


معماری اقلیم گرم و خشک



دوفصلنامه تخصصی معماری اقلیم گرم و خشک

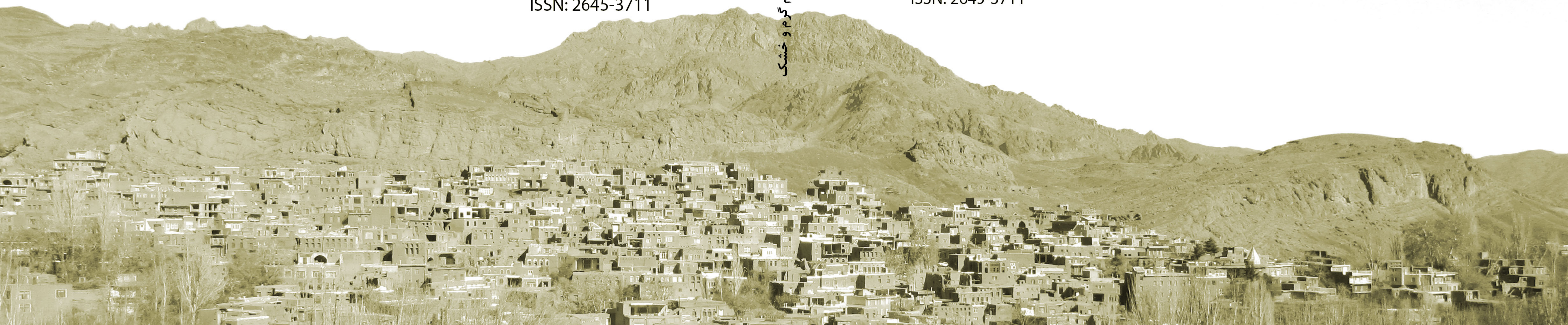
دوفصلنامه تخصصی دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد
سال هفتم - شماره نهم - بهار و تابستان ۱۳۹۸
ISSN: 2645-3711



Yazd University

ARCHITECTURE IN HOT AND DRY CLIMATE

Spring & Summer, Vol. 7, No. 9, 2019
Yazd University- Faculty of Art & Architecture
ISSN: 2645-3711



■ بازنمایی سازه‌های آبی تاریخی در میدان وقت و ساعت یزد؛ علی شهبانی نژاد

■ عناصر و ویژگی‌های محیطی پیرامون باغ‌های مظهرخانه‌ای، براساس مطالعه نمونه‌هایی از باغ‌های حکومتی و رسمی؛ حمیدرضا جیحانی، نغمه اسدی چیمه

■ الگوهای هندسی و تناسب‌های طلایی، زبان مشترک معماری و هنر در روستای تاریخی ایبانه؛ لیدا بلیلان، سعید حسن پور لمر

■ معاصر سازی پوسته‌های سنتی (شباک) معماری ایرانی، جهت بهینه‌سازی دریافت نور و انرژی؛ نمونه مطالعاتی: بناهای اداری تهران؛ محمدجواد مهدوی نژاد، آنوشا کیا

■ بازشناسی ویژگی‌های کالبدی و عناصر طبیعی حیاط‌های مرکزی در خانه‌های تاریخی شهر اصفهان؛ نازنین نیازی مطلق جیونفانی، حسن اکبری

■ ارزیابی وجود مکانیزم طراحی منطبق بر تهویه طبیعی در معماری سنتی شهرهای اقلیم گرم و خشک بدون بادگیر

■ (نمونه موردی: فضای بیرونی بناهای چهارطرفه قاجاری شیراز)؛ آرش پسران، شهاب کریمی نیا، الهام ناظمی، شیرین طغیانی

■ Re-introducing historical water structures in Yazd Vaght o Saat square

■ The elements and features of Gardens Associated with Mazhar-Khaneh, based on examples of formal and royal gardens

■ Geometric patterns and the golden ratio, common language of architecture and arts in the historical village of Abyaneh

■ Contemporarization of traditional facade skins (lattice) in Iranian architecture for optimization of daylight and energy. Case study: Tehran office buildings

■ Recognition of the physical characteristics and natural elements of courtyards in the historical houses of Isfahan

■ Evaluating the Existence of a design mechanism based on natural ventilation in the traditional architecture of cities in hot-arid climate without the use of windcatchers (case study: outer space of four-sided Qajar buildings in Shiraz)

سال هفتم - شماره نهم - بهار و تابستان ۱۳۹۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راهنمای تهیه و شرایط ارسال نوشتارهای علمی در نشریه معماری اقلیم گرم و خشک

- هدف نشریه "معماری اقلیم گرم و خشک" انتشار نتایج پژوهش‌های علمی در زمینه معماری اقلیم گرم و خشک و موضوعات مرتبط با آن در حوزه‌های معماری سنتی، مرمت، هنرهای وابسته به معماری، شهرسازی، طراحی شهری و انرژی است.
- علاوه بر قرار گرفتن موضوع مقاله در زمینه تخصصی نشریه، مقالات یا بخشی از آن نباید در هیچ مجله‌ای در داخل یا خارج از کشور به طور هم زمان در جریال داوری و یا چاپ باشد. مقالات ارائه شده به صورت خلاصه مقاله درکنگره‌ها، سمپوزیوم‌ها، سمینارهای داخلی و خارجی که چاپ و منتشر شده باشد، می‌تواند در قالب مقاله کامل ارائه شوند.
- نشریه در رد یا قبول، ویرایش، تلخیص یا اصلاح مقاله‌های دریافتی آزاد است.
- اصلاح و خلاصه کردن مطالب با نظر نویسندگان انجام می‌شود و مسئولیت صحت محتوای مقالات به عهده نویسندگان است.
- در صورت استفاده از مطالب دیگران، منبع مورد نظر با شماره و اطلاعات کامل منبع مذکور ارجاع داده شود.
- مقالات مندرج لزوماً نقطه نظرات مسئولین نشریه نبوده و مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان است.
- نوشتارهای علمی - پژوهشی پس از داوری و تصویب در هیات تحریریه به چاپ می‌رسند. نشریه از پذیرش سایر نوشتارها نظیر ترجمه، گردآوری، مروری و... معذور است.
- نوشتارهای ارسالی نباید قبلاً در نشریه دیگری به چاپ رسیده و یا بطور همزمان به سایر نشریات و یا سمینارها برای بررسی و چاپ ارائه شده باشد.
- نوشتارها ترجیحاً به زبان فارسی باشد. با وجود این نشریه قادر است نوشتارهای انگلیسی زبان را نیز در صورت تایید به چاپ برساند.
- در تنظیم فایل اصل مقاله، رعایت بخش‌های زیر به ترتیب ضروری است:
 - ✓ صفحه اول: بدون نام و مشخصات نویسنده (نویسندگان) و فقط شامل عنوان مقاله، چکیده فارسی (باید به تنهایی بیان کننده تمام مقاله و شامل بیان مسأله یا اهداف پژوهش، روش پژوهش، مهم‌ترین یافته‌ها و نتیجه‌گیری و حداقل ۳۰۰ کلمه باشد) و واژه‌های کلیدی باشد. واژه‌های کلیدی مربوط به متن و عنوان مقاله بلافاصله بعد از چکیده و بین ۳ تا ۶ کلمه نوشته شود.
 - ✓ پرسش‌های پژوهش (حداکثر ۳ مورد)
 - ✓ مقدمه: شامل بیان مسئله، بیان اهداف یا فرضیه، روش تحقیق (در معرفی روش تحقیق صرفاً به نام روش بسنده نشود و علاوه بر عنوان، مواردی همچون مراحل انجام، روش گردآوری اطلاعات، مراحل انجام و فرآیند پژوهش ذکر گردد)، و ساختار مقاله می‌باشد.
 - ✓ پیشینه تحقیق
 - ✓ بدنه اصلی پژوهش (چارچوب نظری، بحث و بیان یافته‌ها)
 - ✓ نتیجه‌گیری
 - ✓ تشکر و قدردانی: سپاسگزاری از همکاری و راهنمایی کسانی که در تدوین مقاله نقش داشته‌اند (در صورت نیاز)
 - ✓ پی‌نوشت‌ها: شامل معادل‌های لاتین و توضیحات ضروری درباره اصطلاحات و مطالب مقاله، که به ترتیب با شماره در متن و به صورت پی‌نوشت در انتهای مقاله و قبل از فهرست مقاله درج گردد.
 - ✓ منابع فارسی و لاتین شامل صرفاً منابعی که در متن مورد استناد قرار گرفته‌اند، به ترتیب الفبا بر حسب نام خانوادگی نویسنده
 - ✓ چکیده انگلیسی (حداقل ۳۵۰ و حداکثر ۵۰۰ کلمه)



نشریه معماری اقلیم گرم و خشک

زمینه انتشار: معماری

سال هفتم، شماره نهم، بهار و تابستان ۱۳۹۸

ISSN: 2251-8185

صاحب امتیاز: دانشگاه یزد

سردبیر: دکتر علی غفاری

مدیرمسئول: دکتر کاظم مندگاری

مدیر داخلی: دکتر علی شهابی نژاد

ناشر: دانشگاه یزد

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

- | | |
|--|-------------------------------|
| دانشیار دانشکده هنر و معماری - دانشگاه یزد | ۱. دکتر سیدمحمدحسین آیت اللهی |
| دانشیار دانشکده هنر و معماری - دانشگاه یزد | ۲. دکتر رضا ابوئی |
| استاد دانشکده هنر و معماری - دانشگاه تهران | ۳. دکتر شاهین حیدری |
| دانشیار گروه جغرافیا - دانشگاه یزد | ۴. دکتر محمدحسین سرائی |
| استاد گروه شهرسازی - دانشگاه شهیدبهشتی تهران | ۵. دکتر علی غفاری |
| استاد گروه معماری - دانشگاه شهیدبهشتی تهران | ۶. دکتر هادی ندیمی |
| دانشیار دانشکده هنر و معماری - دانشگاه یزد | ۷. دکتر محمدرضا نقصان محمدی |
| دانشیار - دانشگاه علم و صنعت ایران | ۸. دکتر سیدعباس یزدانفر |

طرح روی جلد و لوگو: مهندس شهابالدین خورشیدی

عکس جلد: دورنمای روستای ابیان، عکس از علی شهابی نژاد

ویرایش فارسی: سید محمدرضا قدکیان

ویرایش انگلیسی: محمدحسین افشاری

امور رایانه و صفحه‌آرایی: الهام اردکانی

چاپ: انتشارات دانشگاه یزد

نشانی نشریه: یزد، خیابان امام خمینی، کوچه سهل بن علی، دانشکده هنر و معماری، دفتر مجله معماری اقلیم گرم و

خشک، تلفن: ۰۳۵۳۶۲۲۹۸۵

پست الکترونیک: ahdc@journal.yazd.ac.ir

تارنمای نشریه: <http://smb.yazd.ac.ir>

سیستم نشریه معماری اقلیم گرم و خشک دسترسی آزاد بوده و استفاده از مطالب و کلیه تصاویر آن با ذکر منبع بلامانع است.

نشریه معماری اقلیم گرم و خشک پس از چاپ در پایگاه اطلاع‌رسانی مجلات علمی و تخصصی ایران (magiran.com) پایگاه مجلات تخصصی نور (noormags.ir)، ISC و [Google scholar](http://Google Scholar) نمایه می‌شود.



اسامی داوران این شماره:

- دکتر بهاره تدین، دکترای مرمت بناها و بافت های تاریخی
دکتر سید حسن تقوایی، دانشگاه شهید بهشتی
دکتر بیتا حاجبی، دانشگاه هنر اصفهان
دکتر ساناز حائری، دانشگاه شیراز
مهندس حسین سلطان رحمتی، دانشگاه یزد
دکتر علی اصغر سمسار یزدی، مرکز بین المللی قنات
دکتر ابوذر صالحی، دانشگاه هنر اصفهان
دکتر مریم قاسمی سیچانی، دانشگاه آزاد خوراسگان، اصفهان
دکتر سید علی اکبر کوششگران، دانشگاه یزد
مهندس علی مندگاری، دانشگاه تهران
دکتر لیلا موسوی، دانشگاه شهید بهشتی
دکتر ذات الله نیک زاد، پژوهشکده ابنیه و بافت های تاریخی فرهنگی
دکتر عباس یزدان فر، دانشگاه علم و صنعت



شماره صفحه	فهرست
۱	بازنمایی سازه‌های آبی تاریخی در میدان وقت و ساعت یزد علی شهابی نژاد
۱۹	عناصر و ویژگی‌های محیطی پیرامون باغ‌های مظهرخانه‌ای، براساس مطالعه نمونه‌هایی از باغ‌های حکومتی و رسمی حمیدرضا جیحانی، نغمه اسدی چیمه
۴۵	الگوهای هندسی و تناسب‌های طلایی، زبان مشترک معماری و هنر در روستای تاریخی ایبانه لیدا بلیلان، سعید حسن پور لمر
۶۹	معاصر سازی پوسته‌های سنتی (شباک) معماری ایرانی، جهت بهینه‌سازی دریافت نور و انرژی؛ نمونه مطالعاتی: بناهای اداری تهران محمدجواد مهدوی نژاد، آنوشا کیا
۸۳	بازشناسی ویژگی‌های کالبدی و عناصر طبیعی حیاط‌های مرکزی در خانه‌های تاریخی شهر اصفهان نازنین نیازی مطلق جوقنقانی، حسن اکبری
۱۰۱	ارزیابی وجود مکانیزم طراحی منطبق بر تهویه طبیعی در معماری سنتی شهرهای اقلیم گرم و خشک بدون بادگیر (نمونه موردی: فضای بیرونی بناهای چهارطرفه قاجاری شیراز) آرش پسران، شهاب کریمی نیا، الهام ناظمی، شیرین طغیان

عناصر و ویژگی‌های محیطی پیرامون باغ‌های مظهرخانه‌ای، بر اساس مطالعه نمونه‌هایی از باغ‌های حکومتی و رسمی

حمیدرضا جیحانی^{۱*}، نغمه اسدی چیمه^۲

۱- استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

۲- کارشناس ارشد مطالعات معماری ایران، دانشگاه هنر اصفهان

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۲۲، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۶/۲۱)

چکیده

با وجود مطالعات متعدد، تأثیر باغ و عوامل شکل‌دهنده آن بر محیط پیرامون، ممکن است به خوبی مطالعه نشده باشد. این عدم شناخت در کنار عوامل دیگر، همواره باعث شده است تا قلمرو باغ‌ها نادیده گرفته شود و در اثر توسعه‌های شهری در نواحی حومه‌ای و همچنین توسعه زیرساخت‌ها آسیب ببیند و فهم ما را از الگوهای بومی زیست فروکاهد و حفاظت از نمونه‌های باقی‌مانده را نیز دشوار کند. نمونه‌های پرشماری از باغ‌های حومه‌ای مرتبط با یک قنات، در مناطق کویری ایران و معمولاً در نواحی نزدیک‌تر به کوهپایه‌ها قابل شناسایی‌اند. این نوع از باغ‌های مرتبط با قنات و مظهرخانه آن تأثیر قابل توجهی بر محیط پیرامون خود داشته‌اند. به نظر می‌رسد رابطه این باغ‌ها با قنات و مظهرخانه آن و همچنین ارتباط این ترکیب با محیط پیرامون به پیدایش عناصر مشخصی در اطراف آن‌ها منجر شده است که در نسبت با یکدیگر، بر گرد باغ اصلی قرار دارند. بنابراین پرسش‌های اصلی پژوهش این است که اجزاء و عناصر مورد نظر چه هستند و چگونه و با چه ساختاری با هم ترکیب شده‌اند. هدف این مقاله شناخت این عناصر و ویژگی‌هایی است که حاصل ترکیب عناصر یادشده در ساختاری مشخص‌اند. روش تحقیق، تفسیری تاریخی است و از راه بررسی میدانی و کتابخانه‌ای نمونه‌هایی از باغ‌های مرتبط با مظهرخانه میسر شده که کمتر در معرض تغییر و توسعه قرار گرفته باشند و در عین حال منابع نوشتاری و تصویری نیز اطلاعات کافی از محیط آن‌ها در اختیار قرار می‌دهند. علاوه بر این، باغ‌هایی در انجام تحقیق مدنظر بوده‌اند که همچون باغ‌های حکومتی عناصر و ترکیب‌های یادشده به طور مفصل‌تری پیرامون آن‌ها به کار گرفته شده‌اند. جست‌وجو در محیط پیرامونی این باغ‌ها و تفسیر داده‌هایی که متون و تصاویر در اختیار می‌گذارند، نشان می‌دهد علاوه بر آن عناصر مشترک و مشابه شامل باغ اصلی، جلوخان، خیابان، بناهای مرتبط با آب و مجموعه‌ای از باغ‌ها و خانه‌باغ‌ها که پیرامون این نوع از باغ‌ها وجود دارد، ساختار شکل‌دهنده مشترکی نیز پیرامون آن‌ها قابل بازیابی است. این ساختار متکی بر آب قنات، زیست و زراعت پیرامون باغ را میسر کرده و آن را با نواحی دیگر پیوند داده است.

کلید واژه‌ها: باغ تاریخی، قنات، مظهرخانه، ساختار محیطی

پرسش‌های پژوهش

۱. در پیرامون باغ‌های مرتبط با مظهرخانه چه اجزا و عناصری وجود داشته است؟
۲. این عناصر چگونه با یکدیگر ترکیب شده‌اند و چه ساختاری را شکل داده‌اند؟

۱- مقدمه

شناخت گونه‌ها و صورت‌های باغ ایرانی تاکنون موضوع مطالعات و پژوهش‌های پرشماری بوده است. در اغلب این مطالعات، طرح درون باغ یا جدا از بستر و محیط پیرامون خود، مورد بررسی قرار گرفته و بیش از هر چیز بر ویژگی‌های کالبدی و کارکردی درون آن‌ها تأکید شده است و یا همان‌طور که معمول است، توجه بیش از هرچیز، بر طرح درون باغ بوده است.^۱ به نظر می‌رسد محدود و محصور بودن باغ در دیوار و حصار و جدایی ظاهری آن از محیط پیرامون، به پژوهش‌ها و مطالعات درباره آن‌ها نیز راه یافته است و در کمتر پژوهشی به اثرگذاری باغ بر محیط پیرامون و تأثیرپذیری از آن توجه شده است و بنابراین برخلاف ساختار و طرح درون باغ، ساختار محیطی آن به درستی مشخص نیست. یکی از پیامدهای عدم شناخت قلمرو باغ‌ها و نبود آگاهی کافی از ارزش آن‌ها، آسیب‌هایی است که در اثر توسعه‌های شهری در نواحی حومه‌ای و همچنین توسعه زیرساخت‌ها به آن‌ها وارد می‌شود و با حذف برخی عناصر محیطی باغ‌ها و کم‌رنگ کردن ساختار شکل‌دهنده قلمرو آن‌ها، بازیابی و فهم الگوهای بومی زیست را در نواحی کویری با

دشواری روبه‌رو می‌کند. این نوع از باغ‌های مرتبط با قنات و مظهرخانه آن که خود نیز گاهی نقش یک مظهرخانه را برعهده دارند، تأثیر قابل توجهی بر محیط پیرامون خود داشته‌اند. به نظر می‌رسد نقش مظهرخانه‌ای و به تبع این‌گونه از باغ‌ها به پیدایش عناصر مشخصی در اطراف آن‌ها منجر شده است که بر گرد باغ اصلی قرار دارند و با ساختاری قابل تشخیص سازماندهی شده‌اند. این که این اجزاء و عناصر چه هستند و چگونه با هم ترکیب می‌شوند، پرسش‌های این پژوهش‌اند. هدف این مقاله شناخت این ساختار محیطی در معرض تخریب است.

شناخت دقیق‌تر از بستر شکل‌گیری و قرارگیری باغ‌ها نیازمند آگاهی از گونه‌های اصلی باغ از دیدگاه نحوه استقرار و برخورداری از منابع آبی و تأثیر آن‌ها بر محیط پیرامون است. بستر و زمینه‌های استقرار نمونه‌هایی از باغ‌های شهری و یا آن دسته از باغ‌ها که بخشی از یک طرح شهری همچون توسعه‌های صفوی قزوین و اصفهان و شیراز هستند، از طریق مطالعه بستر شهری موجود و اسناد و متون تاریخی واکاوی شده است.^۲ ویژگی همه این نمونه‌ها قرارگیری یک باغ و مطالعه آن در زمینه وسیعی از طرحی متکی بر کنار هم قرارگیری باغ‌های تاریخی است که در ترکیب با هم توسعه شهر و یا گسترش باغ‌سازی در یک دوره را شکل داده‌اند. جز این نمونه‌ها، گونه‌های دیگری از استقرار باغ در یک زمینه و بستر نیز قابل مطالعه است که در آن، باغ مورد نظر نقطه کانونی منطقه است و درعین حال در یک طرح شهری گسترده از

لذا امکان شناخت ساختار مورد نظر دست کم به طور مقدماتی فراهم می‌شود. توجه همزمان به اصالت نمونه‌های مطالعاتی و تلاش در جهت پیدا کردن طرح اصیل آنها در شکلی که یادآور یکپارچگی اولیه ترکیب مورد نظر باشد، چارچوب نظری این مقاله را شکل می‌دهد. از این رو در این مقاله، نمونه‌های محدودی انتخاب شده‌اند که از اصالت طرح آنها و همچنین طرح اصیل‌شان آگاهی داریم. از سوی دیگر همه تلاش مطالعه در جهت بازیابی ساختار یکپارچه اولیه بوده است. مقایسه نمونه‌ها که بخش مهمی از مطالعات این مقاله است با بازیابی ساختارهای یکپارچه اولیه میسر خواهد شد.

چهار نمونه منتخب در نگاه نخست، چهار پهنه متفاوت به شمار می‌آیند که در برگزیده باغی تاریخی‌اند. اما در عین حال از نظر اقلیمی و جغرافیایی، هر چهار منطقه یادشده بر گرد کویر مرکزی ایران قرار گرفته و به طور مستقیم با آن در ارتباط هستند. باوجود این، نمونه‌ها از مشابهت بیشتری برخوردار هستند. این چهار پهنه، باغی مشروب از آب قناتی تاریخی را شامل می‌شوند، محدوده‌های سکونتگاهی را در برمی‌گیرند و چنانکه از متون تاریخی بر می‌آید، از پیشینه تاریخی و کارکردهای نسبتاً مشابهی نیز برخوردارند. همچنین نمونه‌ها از منظر تاریخی، بازه زمانی مشخصی را نمایندگی می‌کنند. دهه‌های پایانی سده دهم هجری قمری برای باغ فین که قدیمی‌ترین نمونه است، حد نخست بازه زمانی مورد مطالعه است. دیگر حد این بازه، دهه نخست سده چهاردهم هجری قمری است که زمان

پیش طراحی شده قرار ندارد. نمونه‌هایی از این نوع باغ به شکل‌گیری محیطی شامل اراضی زراعی، باغ‌های میوه و زیستگاه‌های برخوردار از آب قنات منجر شده است. به نظر می‌رسد این گونه از باغ‌ها که در ارتباط مستقیم و نزدیک با مظهر قنات هستند نیز درون یک ساختار محیطی کهن قرار دارند و آگاهی یافتن از ساختار پیرامونی شکل‌دهنده آنها نیز موضوعی قابل پژوهش است. در این جا مقصود از مظهرخانه، جایی است که آب قنات برای اولین بار به سطح زمین رسیده و امکان بهره‌برداری از آن میسر می‌شود.

در جهت شناخت ساختار محیطی مورد نظر، مقاله تلاش دارد تا از طریق بررسی برخی نمونه‌های شاخص، عناصری را مورد مطالعه قرار دهد که پیرامون باغ‌های مجاور مظهرخانه وجود دارند و هدف آن، شناخت مقدماتی ساختارهای مذکور است. این شناخت از طریق بازیابی اجزاء و عناصر درون محدوده‌های مورد بحث و مطالعه نحوه ارتباط میان آنها حاصل می‌شود. در این مطالعه، ساختارهای یادشده براساس نمونه‌های منتخب و معدود، مورد بررسی قرار خواهند گرفت. به دلیل زوال‌پذیری ساختارهای مورد بحث، تلاش شده است از میان باغ‌های متعدد، نمونه‌هایی انتخاب گردد که در منابع مکتوب به آنها اشاره شده، اسناد تصویری کافی از آنها موجود و در دسترس باشد و یا دست کم بخشی از ساختار محیطی آنها به جامانده و قابل شناسایی باشد. باغ‌هایی که این شرط‌ها را داشته باشند، می‌توانند تصویری روشن‌تر از قرارگیری یک باغ تاریخی در بستر شکل‌گیری آن را نمایش دهند؛

شکل‌گیری باغ شاهزاده ماهان است. باغ‌های گلشن و دولت‌آباد در میان این بازه زمانی قرار دارند. بنابراین، منابع این پژوهش آن دسته از منابع مکتوب و تصویری هستند که وقایع این بازه را روایت می‌کنند و به تصویر می‌کشند. در به‌کارگیری این منابع توجه شده است که تنها آن بخش از روایات که به کار این پژوهش می‌آید و موضوعات مرتبط با آن را روشن می‌کند، استفاده شود و با پرهیز از نقل کلیات تاریخی درباره شهرها و باغ‌ها، عناصر موجود اما مغفول در پیرامون باغ‌ها مشخص و ترکیب آن‌ها بازیابی شود. در همین راستا، مطالعه میدانی وضع موجود و جست‌وجو در پیرامون باغ‌ها، جزیی از راهبرد اصلی تحقیق است و در عین حال تفسیر متون و تصاویر و روش تفسیری تاریخی نیز، برای آن بخش از آثار که تا حد زیادی از بین رفته‌اند به کار گرفته می‌شود. سپس تلاش می‌شود براساس یافته‌ها، مدل کلی استقرار پیرامون باغ‌ها تعریف و ارائه شود.

۲- پیشینه تحقیق

پیشینه مطالعاتی این تحقیق عمدتاً به دو موضوع بررسی نحوه استقرار باغ و مطالعه باغ‌های مورد نظر بازمی‌گردد. محمدمامین میرفندرسکی (۱۳۸۰: ۶) شیوه استقرار باغ را به دو گونه اصلی باغ در بستر شهری و طبیعی تقسیم کرده و برای هر کدام انواع باغ‌های منفرد و غیرمنفرد را برشمرده است. او ارتباط این عناصر را در مقیاسی که باغ در آن شکل گرفته و براساس نظام‌های مختلف بررسی کرده است. در مورد باغ‌های شهری پیش از این و

در مقدمه به نمونه‌های مطالعاتی اشاره شد. اما بررسی باغ‌های مشابه و مورد نظر این تحقیق که در بستر طبیعی قرار گرفته‌اند، موضوع برخی پژوهش‌ها بوده است. میرفندرسکی (۱۳۸۳: ۱۹۱) در مقاله‌ای موقعیت قرارگیری باغ شاهزاده و نحوه ارتباط آن با دهکده تیگران ماهان را از طریق یک جلوخان و خیابان شرح داده است. بستر این باغ و از جمله محدوده‌های بلافصل واقع در شمال و جنوب همین باغ، موضوع مطالعه دیگری بوده‌اند که گزارش مختصر آن منتشر شده است (مهربانی و مهرعلی‌زاده، ۱۳۹۶: ۳۱۸). بستر باغ فین نیز موضوع مقاله دیگری بوده است و در آن رضائی‌پور و ایرانی بهبهانی (۱۳۹۵: ۱۰-۱۲) به خیابان و نحوه ارتباط باغ فین و باغ کهنه پرداخته‌اند. نیک‌زاد (۱۳۹۰: ۱۰۰) نیز در مقاله دیگری برخی عناصر مرتبط با باغ دولت‌آباد از جمله خیابان و ساباط و آب‌انبار و آسیاب جنب باغ را براساس متن وقف‌نامه مطالعه کرده است. دانشدوست (۱۳۸۳: ۱۵۴-۱۵۷) تاریخچه و معماری باغ گلشن طبس را بررسی کرده است. علاوه بر این او در کتاب طبس شهری که بود، باغ‌های طبس و نیز محیط و بستر باغ را مطالعه و برخی اسناد مرتبط را معرفی کرده است (دانشدوست، ۱۳۶۹).

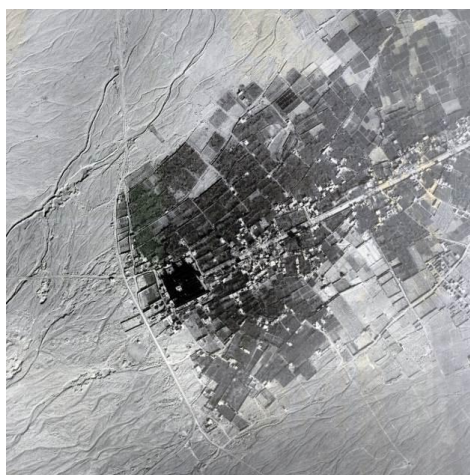
۳- باغ فین و محیط پیرامون آن، تلاش برای تعریف یک ساختار محیطی

منابع تاریخی متعددی از سابقه منطقه فین و پیوند آن با آب چشمه و قنات یاد کرده‌اند. در کتاب تاریخ قم تألیف حسن قمی در سال ۳۸۷

حفر قنات و انتقال آب به دشت‌های پایین دست فراهم شده است. نتیجه ساختار طبیعی این چینی، شکل‌گیری باغ‌هایی در پایین دست کوهستان و ایجاد پهنه‌ای سبز و آباد در تضاد با گستره بیابانی اطراف است.

دقت در تصویر هوایی سال ۱۳۶۳ (تصویر ۱) نشان می‌دهد که این پهنه از یک ساختار قابل تشخیص برخوردار است. در این ساختار، باغ‌فین به عنوان اصلی‌ترین عنصر در بخش مرتفع‌تر منطقه واقع شده، بطوری‌که در جوار مظهرخانه قرار گرفته است. پیرامون این دو، مجموعه‌ای از باغ‌ها مستقر شده‌اند که برخی از آنها مرتبط با باغ اصلی هستند و دست کم برخی هنوز هم قابل شناسایی‌اند. بنابر تصویر هوایی منطقه در سال ۱۳۶۳ باغ‌های نزدیک به بخش‌های میانی که عناصر ساخته شده بیشتری در میان دارند، نمونه‌هایی از خانه‌باغ‌ها را به نمایش می‌گذارند. در بیرونی‌ترین بخش پهنه مورد نظر نیز مزارع استقرار یافته‌اند. با وجود تغییرات عمده در منطقه فین، این ساختار کلی که آسیب فراوانی دیده، هنوز نیز قابل شناسایی است.

هجری قمری که قدیمی‌ترین منبع موجود درباره فین است، به منطقه یادشده و کاریزهای آن اشاره شده است: «فین، آن را بشتاسب (گشتاسب) بنا کرد و در آن وقت که با ارجاسب ترک کارزار کرد و کاریزهای آن دپه را با اشارات ملک جم بیرون آورده و بسیار آبنده» (قمی، ۱۳۸۱: ۷۷). علاوه بر قمی که این موضوع را با افسانه ترکیب و بازنمایی کرده است، پاره‌ای دیگر از منابع نیز به آبادانی فین در سایه چشمه و قنات و آب فراوان آن اشاره کرده‌اند. برای نمونه کلانتر ضرابی در مرآةالقاسان چگونگی تأمین آب فین را دقیق‌تر بیان کرده است. براساس این متن، «ده جوب و نیم از کل آب مورد استفاده در منطقه فین از چشمه فین تأمین می‌شده و نیم جوب دیگر از شش دانگ قنات تنبلی به دست می‌آمده است» (ضرابی، ۱۳۷۸: ۷۷). بهره‌مندی منطقه فین از آب چشمه، مرهون خصوصیات زمین‌شناختی پهنه‌ای از کوهستان کرکس واقع در بالادست فین و وجود چشمه‌های گسلی در این ناحیه است (حسنعلیان، ۱۳۸۱: ۲۲۳). بدین طریق برخورداری از آبی دائمی از طریق



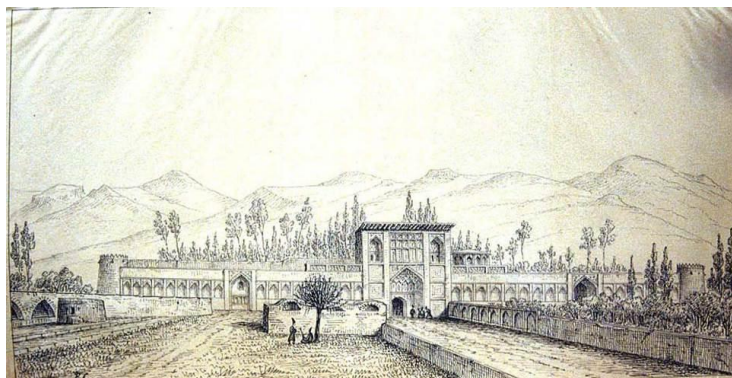
تصویر ۱- تصویر هوایی منطقه فین در سال ۱۳۶۳ خورشیدی (مأخذ: سازمان نقشه‌برداری کشور).

توصیف ضرابی در سده سیزدهم هجری قمری از وضعیت فین نشان می‌دهد پیرامون باغ اصلی، اجزا و عناصر دیگری نیز وجود داشته است: «... و کریاس و بالاخانه سردر آن باغ که از جمله عمارات رفیعه منیعه ایران است و در پای آن از خارج باغ خیابانی است عریض و متن آن به سنگ‌فرش مسطح و هموار تقریباً پانصد ذرع، طول آن الی درب باغشاه کهنه که آن نیز باغی بود مشتمل بر عمارات عالیه منسوب است به شاه عباس و این اوقات خراب و منهدم‌الآثار و از پیرایه آبادی مجرد و معری است...» (ضرابی، ۱۳۵۶: ۷۵).

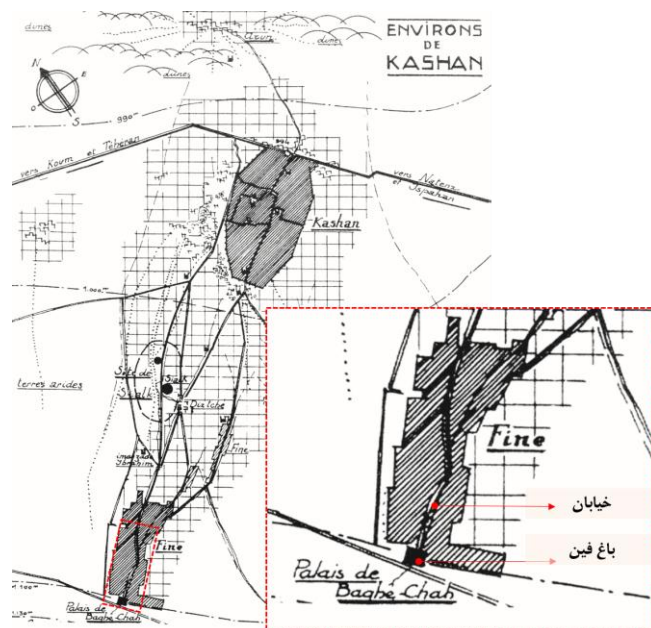
ضرابی در توصیف خود از باغ فعلی فین به عنوان «باغ نو» یاد کرده و در مقابل از باغی دیگر و رو به زوال، با نام باغشاه کهنه منسوب به شاه‌عباس نام برده است. سپس به خیابانی عریض و سنگ‌فرش اشاره کرده که با پانصد ذرع طول، در باغ کهنه را به سردر باغ نو مرتبط می‌ساخته است.

ارتباط تنگاتنگ میان خیابان مزبور و سردر باغ فین علاوه بر اشاره ضرابی، در ترسیم پاسکال کست^۳ در ۱۸۳۹م از مقابل باغ فین نیز دیده می‌شود

(تصویر ۲). در این تصویر مشخص است که خیابان از سردر باغ فین آغاز و با جداره باغ‌های مجاور تعریف شده است. طرح کلی این خیابان و نقطه شروع و پایان آن را ماکسیم سیرو^۴ در نقشه‌ای که در سال ۱۹۳۳م برای رومن گیرشمن^۵ تهیه کرده، به خوبی به تصویر کشیده است (تصویر ۳). اما کیفیت ارتباط این خیابان با سردر باغ فین و خصوصیات قابل درک آن از نوشته ضرابی و ترسیم کُست، در عکسی که مایرون اسمیت^۶ در سال ۱۹۳۴م از مقابل باغ تهیه کرده (تصویر ۴) و همچنین عکس متأخرتری، احتمالاً از سال ۱۹۶۱م به خوبی مشخص است (تصویر ۵). در همین تصویرها مشاهده می‌شود که جداره خیابانی که ضرابی آن را شرح داده به سردر باغ متصل است و در نزدیکی سردر با افزوده شدن طاق‌نماها کیفیتی متفاوت از سایر بخش‌های دیگر خیابان پیدا کرده است؛ چنان‌که به نظر می‌رسد خیابان از طریق یک جلوخان آراسته به سردر باغ شاهی نو اتصال می‌یابد.



تصویر ۲- خیابان مورد اشاره در نوشته‌های «ضرابی» در تصویری از «پاسکال کست» (مأخذ: Bibliotheque municipale de



تصویر ۳- نقشه گیشمن از منطقه فین تا کاشان که سیلک راه در بر می‌گیرد (مأخذ: گیشمن، ۱۳۷۹:۲۱۲).



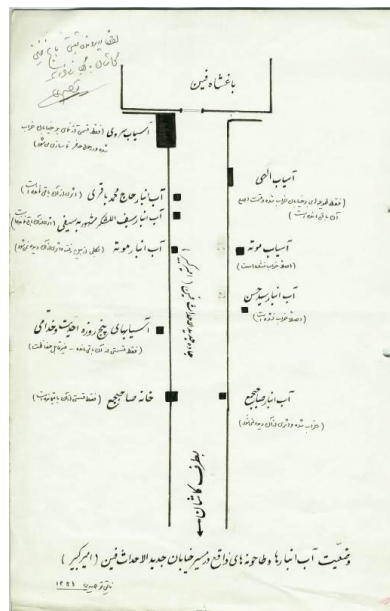
تصویر ۵- نمای بیرونی باغ فین در سال ۱۹۶۱م. عکاس: رضا گلی‌زاده (ساروخانی، ۱۳۹۶: ۱۴۷).



تصویر ۴- تصویر مایرون اسمیت از مقابل باغ فین (مأخذ: The Meyron Bement Smith Collection, Freer Gallery of Art and Arthur M. Sackler Gallery Archives, Smithsonian Institution, Washington, D.C.).

می‌گیرند.^۷ دسته دیگر آب‌انبارها و آسیاب‌هایی (طاحونه‌هایی) هستند که با آب چشمه فین کار می‌کنند و هنوز نیز می‌توان رد برخی از آن‌ها را در حوالی باغ فین یافت. برگی از پرونده ثبتی باغ فین که یک بررسی میدانی در سال ۱۳۵۵ است، برخی از این عناصر را در نزدیکی سردر باغ فین نمایش می‌دهد.^۸ (تصویر ۶).

علاوه بر مظهرخانه، باغ اصلی و جلوخان آن، باغ اولیه منطقه (باغ کهنه) و خیابانی که این دو را مرتبط می‌ساخته است، اجزای دیگری را می‌توان در شرح ضرابی از فین جست که با آب و نقش مظهرخانه‌ای باغ فین مرتبط هستند؛ از جمله عناصر تقسیم‌کننده آب که در فین به لت مشهور هستند و دست کم تعدادی از آن‌ها برای تقسیم آب چشمه فین در محدوده مورد نظر این پژوهش قرار



تصویر ۶: وضعیت آب انبارها و طاحونه‌های واقع در مسیر خیابان فین در سال ۱۳۵۵ ش (مأخذ: پرونده ثبتی باغ فین به شماره ۲۳۸).

این نمونه، جلوخان باغ، خیابان متصل به آن، خانه‌ها و باغ‌های مجاور خیابان، بخش‌ها و آسیاب‌ها عناصر کالبدی هستند که متأثر از چشمه فین و مظهرخانه آن در مجاورت باغ اصلی منطقه، سازمان یافته‌اند.

۴- نگاهی به نمونه‌های دیگر

بررسی نمونه‌های مشابه نشان می‌دهد که خصوصیات مطالعه شده در مورد منطقه فین منحصر بفرد نیستند و عناصر و ترکیب‌های یادشده در نواحی دیگر و در ارتباط با نمونه‌های دیگر باغ‌های مشابه قابل مشاهده است. در این تحقیق نمونه‌های منتخب برای بررسی بیشتر از برخی وجوه با نمونه فین شباهت دارند. نخست این که سه نمونه مطالعاتی دیگر از نظر موقعیت اقلیمی و محیطی، با منطقه فین وجوه مشترک دارند. لذا به

بنابراین پهنه مورد نظر در نگاهی کلی، نخست عناصر محیطی را بازنمایی می‌کند که با ساختاری مشخص استقرار یافته‌اند؛ گستره‌ای بیابانی و بدون آب به منزله بستر پهنه مورد نظر، کوهستانی در فرادست با دشتی با شیب ملایم در پایین دست، رشته‌ای از قنات که آب را به محل مورد نظر منتقل می‌کند و پهنه‌ای آباد با مرکزیت باغ اصلی و مظهرخانه، باغ‌هایی در پیرامون-که گاه با شکل کاملاً طراحی شده و گاه با اشکال آزادتر و برخوردار از ساختاری ارگانیک استقرار یافته‌اند- و پهنه مزارع در حاشیه منطقه. اما نگاهی به منطقه در مقیاس خرد نشان می‌دهد که این ساختار تنها در عناصر محیطی مشهود نیست. بلکه باغ و هم‌نشینی‌اش با مظهرخانه، عناصر کالبدی و ساخته‌های انسانی را نیز شامل می‌شود و نحوه حضور و ترکیب آن‌ها را سازماندهی می‌کند. در

شرایط مطلوب قابل درک از منابع سبب شده است که در زمان حکومت شاهزاده «سلطان حمید میرزای ناصرالدوله» بر کرمان و سیستان، در این محل باغی ساخته شود که اکنون به باغ شاهزاده مشهور است.

ساختار خطی که در نقشه باغ شاهزاده کاملاً مشهود است، در اندام‌های متصل به باغ و عناصر محیطی آن نیز به خوبی قابل بازیابی است (تصویر ۷). از جمله این عناصر خیابانی است که ردی از آن در عکس‌های هوایی قدیمی دهه ۱۳۳۰ خورشیدی و در امتداد جلوخان باغ پیداست. به نظر می‌رسد کار ساخت این خیابان که بخش‌بندی و باغ‌های دهکده مقسم تیگران^{۱۱} را به یک باغ مقبره قدیمی (باغ سید) (تصویر ۸) و سپس از طریق پیش‌خوان بلند و نسبتاً باریکی به باغ شاهزاده ماهان پیوند می‌دهد (میرفندرسکی، ۱۳۸۳: ۱۹۱)، به علت مرگ نابهنگام «عبدالحمید میرزا ناصرالدوله» که بانی باغ بوده ناتمام مانده است.^{۱۲}

بیان دیگر هر چهار نمونه مطالعاتی در پیرامون کویر مرکزی ایران و متکی بر ارتفاعات مشرف بر نواحی بیابانی اطراف قرار دارند. علاوه بر این، هر چهار نمونه باغ‌های حکومتی محسوب می‌شوند.

۴-۱- باغ شاهزاده ماهان

خصوصیات جغرافیایی ماهان و نیز آبادانی آن در سایه وجود آب چشمه‌ها و قنات‌ها همچون فین، در متون تاریخی مورد توجه قرار گرفته است. در جغرافیای کرمان^۹ در ذکر قراء نزدیک به شهر، از ماهان به عنوان یکی از محدثات «آذرماهان» یاد شده که آب و هوایی خوش دارد و بیش از پانصد باغ در آن است (وزیری کرمانی، ۱۳۸۵: ۱۶۷). در رساله دهات کرمان^{۱۱} نیز در زیر عنوان «قراء حومه بعیده» به ماهان اشاره شده است. در این منبع ماهان به عنوان محلی بهشت‌نشان، در هفت فرسخی کرمان معرفی شده که هزار درب باغ و باغچه در آن از آب چشمه‌ساران و قنات سیراب می‌شوند.



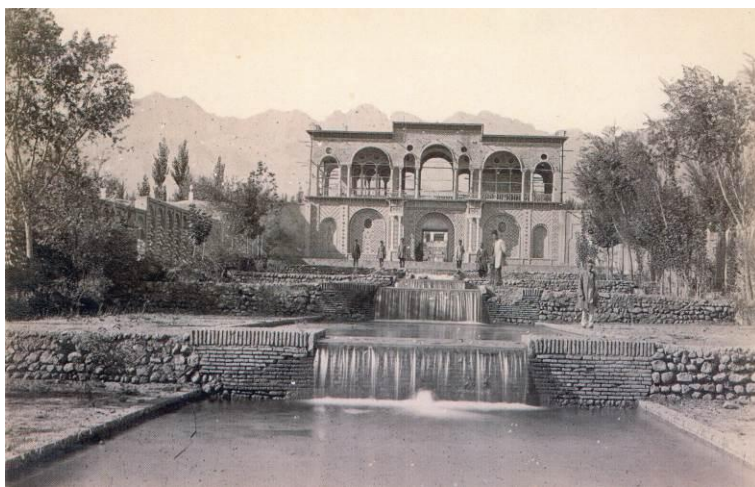
تصویر ۷- بخش‌هایی از عکس‌های هوایی قدیمی دهه ۱۳۳۰ ش؛ تهرنگ خیابان ناتمام در این تصویر دیده می‌شود (مأخذ: سازمان نقشه‌برداری کشور و محمدامین میرفندرسکی).



تصویر ۸- باغ مقبره سید در پایین دست باغ شاهزاده در سال ۱۳۷۵ (مأخذ: شرکت عمران و بهسازی شهری، عکاس: جاسم غضبانپور).

قناتی که آب را از بالادست به محدوده تیگران در مجاورت ماهان می‌رساند به چشم می‌خورد. تفاوت بارز این مجموعه با نمونه قبلی در جدا بودن باغ از محدوده زیستگاهی پائین دست و دوپارگی ساختار مورد نظر است (تصویر ۱۰) که ممکن است علت آن، تأخر احداث باغ فعلی نسبت به محدوده زیستگاهی باشد.

ارتباط جلوخان باغ اصلی با یک باغ دیگر به واسطه یک خیابان و وجود آسیاب و بخشابی در محل اتصال خیابان به تیگران، اجزا و ساختاری را یادآوری می‌کند که پیش‌تر در باغ فین بررسی شد. به علاوه در پهنه‌ای از ماهان که به باغ شاهزاده و مظهرخانه متصل به آن (تصویر ۷) نزدیک است، کوهستانی در فرادست، دشتی خشک و بی‌آب، و



تصویر ۹- جلوخان باغ شاهزاده ماهان که اکنون بخشی از آن بازسازی شده است (مأخذ: میرفندرسکی، ۱۳۸۳).



تصویر ۱۰- جدایی باغ از محدوده زیستگاهی پایین دست و دو پارگی ساختار محیطی باغ شاهزاده در عکس هوایی سال ۱۳۴۷ (مأخذ: سازمان نقشه برداری کشور).

۴-۲- باغ دولت آباد یزد

منابع تاریخی متعددی از وجود باغ‌های پرشمار در یزد خبر می‌دهند. مطابق کتاب تاریخ یزد، این شهر در سده نهم هجری دربردارنده باغ‌ها و باغستان‌های بسیاری بوده است؛ از جمله باغ‌هایی در اهرستان، باغ گرشاسبی، باغ ساباط، باغ مهتر علیشاه فرّاش، باغ طغانشاهی، باغ فیروزی، باغ شمس‌الدین ترخان، باغ امیرشاهی و باغ لایستان (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۶۷-۱۷۶).^{۱۳} بنابراین باغ دولت‌آباد مشهورترین باغ یزد که دست کم در

قامت فعلی خود از تمامی باغ‌های مورد اشاره متأخرتر است بر چنین بستری شکل گرفته است. بازیابی ساختار باغ دولت‌آباد و ارتباط آن با محیط پیرامون نسبت به دو نمونه قبلی با دشواری‌هایی روبه‌روست. از جمله آن که این باغ نه در پهنه‌ای جدا و دور از شهر امروز که در دل آن واقع است و بنابراین اجزا و اندام‌های پیرامونی آن تحت تأثیر ساخت و سازهای بعدی قرار گرفته و تا حدی از بین رفته‌اند (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۱- عکس هوایی سال ۱۳۳۵ از محدوده‌ای از شهر یزد که باغ دولت آباد را هم در بر دارد (مأخذ: سازمان نقشه‌برداری کشور).

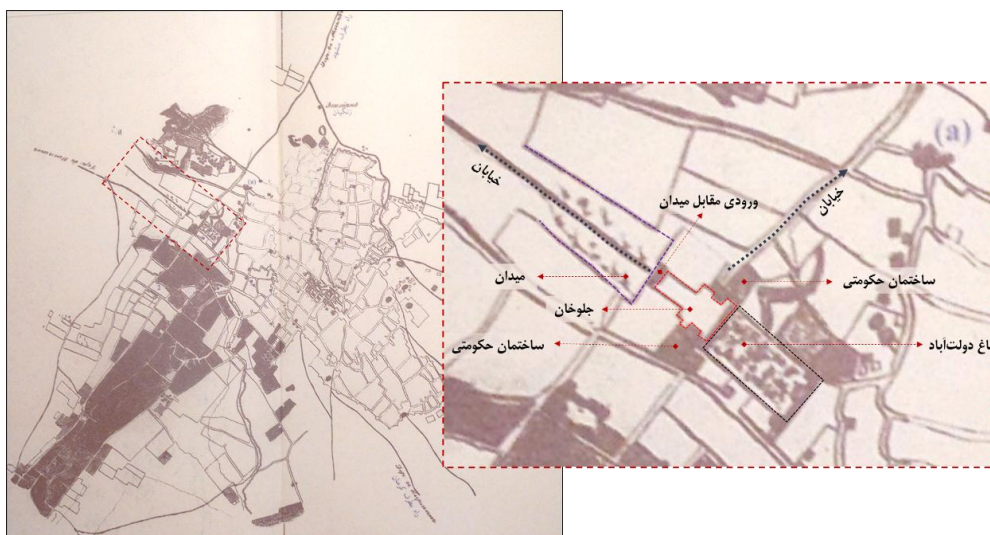
اما وقف‌نامه‌ای که از این باغ در دسترس است عناصر متصل و مربوط به باغ را به خوبی شرح می‌دهد و با مطالعه آن می‌توان دست کم ساختار محیطی‌اش را در ابتدای سده سیزدهم هجری یافت. در این سند که در سال ۱۲۱۲ هجری قمری توسط «آقا سیداحمد اردکانی» نوشته شده است عمارت‌های موجود در باغ شرح داده شده است. از جمله عمارت هشتی واقع در انتهای باغ، عمارت واقع در سمت قبله عمارت هشتی و متصل به دیوار باغ و عمارتی دیگر در آن سوی عمارت هشتی و مقابل عمارت سمت قبله (نائینی، ۱۳۵۳: ۳۵۴ و ۳۵۵). همچنین این متن به عمارت دو اشکوبه سردر و سه عمارت دیگر نزدیک به آن اشاره کرده است؛ یکی در مقابل سردر و دو عمارت دیگر در طرفین آن (تصویر ۱۲).

در شرح عمارت مقابل سردر در وقف‌نامه آمده است: «و یکی از آن عمارات ثلاثه، عمارتی است که در محاذات عمارت سردر واقع است و یک

سمت آن به میدان جلوخان سمت خیابان منتهی می‌شود و آن خیابانی است به طول پنج شش میل و عرض چهل پنجاه ذراع که درختان آن سر به فلک کشیده...» (شیخ‌الحکمایی، ۱۳۸۸: ۸۴). بنا بر این عمارت مقابل سردر، خود از طریق جلوخانی به خیابانی طویل مرتبط بوده است که رد آن را در نقشه‌ای که ژارینوف و پطروف در سال ۱۸۵۱ میلادی تهیه کرده‌اند نیز می‌توان دید (تصویر ۱۳). علاوه بر این، در همین سند و ضمن شرح سومین عمارت از عمارت‌های سه‌گانه، به خیابانی واقع در پشت عمارت سوم (عمارت شمالی) اشاره شده است که عمارت مذکور را به عماراتی واقع در جنت آباد مرتبط می‌ساخته است. بنابراین وقف‌نامه روشن می‌کند که این باغ در روزگار دولت و جلال خود، نه یک خیابان که دو خیابان متصل به سردر داشته است؛ موضوعی که بررسی نقشه تاریخی ژارینوف و پطروف هم وجود آن را تأیید می‌کند.



تصویر ۱۲- محدوده دربردارنده باغ دولت آباد و عمارات سردر و جلوخان باغ (مأخذ: اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری یزد).



تصویر ۱۳- نقشه شهر یزد. برداشت شده در سال ۱۸۵۱ م توسط ژارینف و پتروف. (مهریار و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۸۶ و ۱۸۷).

چندانی با باغ اصلی ندارد؛ اما در تصاویر و نقشه‌های کلان کاملاً مشهود است. در این جا نیز انتقال آب از این نقاط مرتفع به محل باغ دولت آباد توسط قناتی صورت گرفته است که هم نام باغ است و مطابق منابع تاریخی از ادغام چند قنات دیگر ایجاد شده و استفاده از آب آن پیش از ظهور در باغ دولت آباد نهی شده است (افشار، ۱۳۷۴: ۷۷۴). این موضوع نشان می‌دهد که باغ مورد نظر

جلوخان و میدان مقابل باغ اصلی، خیابان‌هایی منشعب از آن، آب انبار واقع در ابتدای خیابان اصلی و آسیایی که در متن وقف‌نامه به آن اشاره شده است (نائینی، ۱۳۵۳: ۳۶۸)،^{۱۵} عناصر کالبدی پیرامون باغ دولت آباد یزد هستند. این عناصر بر پهنه‌ای خشک با کوهستانی در فرادست استقرار یافته‌اند. کوهستانی که برخلاف دو نمونه قبلی در فاصله‌ای دورتر از باغ واقع است و ارتباط بصری

در قالب یک مظهرخانه ایفای نقش می‌کند و محیط خود را سامان می‌بخشد. علاوه بر عناصر یاد شده، به یمن وجود آب قنات دولت آباد مزارع و کشتزارهایی نیز پیرامون باغ وجود داشته است. محوطه نسبتاً وسیع مقابل ورودی باغ، بازمانده‌ای از این زمین‌های کشاورزی است^{۱۶} که در وقف‌نامه به برخی از آن‌ها اشاره شده و در عکس‌های هوایی قدیمی‌تر نیز قابل مشاهده هستند. در پی ساخت‌وسازهای جدید در محدوده پیرامون باغ، بخش وسیعی از اراضی زراعی از بین رفته و جای خود را به ساختمان‌ها داده‌اند.

۴-۲- باغ گلشن طبس

طبس که به نام گلشن نیز خوانده شده، شهری تاریخی از منطقه خراسان است که در متون تاریخی متعددی به آن اشاره شده است. در این متون از دژ، بازار، مسجد جامع، آب‌انبارها، کاریزها و گرمابه‌های شهر یاد شده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۷۱). اشارات افرادی چون جیهانی، ابن‌حوقل، اصطخری و مستوفی تا حدودی وضعیت طبس را از حیث وجود باغ‌ها و نخلستان‌ها، ماهیت گرمسیری و کم‌آب شهر و وابستگی آن به قنات‌ها روشن می‌کند.^{۱۷} از طرفی بررسی ساختار طبیعی طبس نشان می‌دهد که در این جا نیز همچون فین، تداوم حیات شهر مرهون کوهستان بالادست است. براساس این بررسی‌ها، طبس در کنار کویر و در میان دو کوه نه چندان مرتفع قرار گرفته (امینی،

۱۳۸۴: ۳۹) و نسبت به ارتفاعات اطراف در یک گودی واقع شده است (همان، ۴۴). آب چشمه‌هایی که از این کوهستان سرازیر می‌شوند، به وسیله یک قنات به طرف طبس هدایت می‌شود، در محلی به نام فره‌ونگک از زیر زمین بیرون می‌آید و پس از به راه انداختن تعدادی آسیاب آبی از انتهای باغ گلشن وارد آن می‌شود (دانشدوست، ۱۳۶۹: ۱۳). این آب پس از عبور از این باغ، در بخشابی به دو نهر تقسیم می‌شود (امینی، ۱۳۸۴: ۲۸۵)^{۱۸} و سپس بخش‌های شمالی و جنوبی شهر را سیراب می‌کند. با وجود ظهور آب در جایی کمی بالاتر از باغ گلشن، این باغ دروازه ورود آب چشمه‌ای به نام چشمه قبر به شهر طبس بوده و بنابراین خود در نقش یک مظهرخانه بر محیط پیرامون اثر گذاشته است (تصویر ۱۴).

با وجود آن‌که بخش عمده‌ای از اجزا و ساختار پیرامونی و متأثر از باغ گلشن در زمین‌لرزه سال ۱۳۵۷ شمسی از بین رفته است، با رجوع به منابع تاریخی و تصاویر مربوط به پیش از این تاریخ می‌توان این ساختار را تا حدودی بازشناخت. از جمله اشاره «دانشدوست» به یادداشت‌هایی از «میرزا علی منشی‌باشی» نشان می‌دهد شکل متأخر شهر با خیابانی در میان و دو عنصر ارگ و باغ در دو سو از اقدامات «میرحسن خان» حاکم وقت طبس است.



تصویر ۱۴- نقش باغ (سمت چپ) و خیابان گلشن در ساختار شهر در عکس هوایی شهر طبرس، مربوط به سال ۱۳۳۵ خورشیدی (مأخذ: سازمان نقشه‌برداری کشور).

باغ و سردر آن روبروی دروازه شهر است، اگر شب، چراغی آن جا روشن باشد، درب دروازه دیده می‌شود» (همان، ۱۳۶۹: ۹۳). این توصیف نشان می‌دهد که این خیابان طویل، باغ را به دروازه شهر تاریخی درون حصار مرتبط می‌ساخته است.

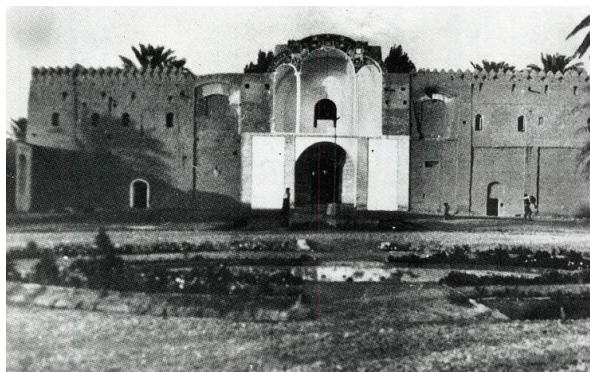
علاوه بر این قطعه شعری در وصف طبرس در دست است که به گفته دانشدوست به اوایل قرن چهاردهم هجری مربوط است و وضعیت باغ را پیش از زلزله سال ۱۳۵۷ بازنمایی می‌کند.^{۱۹} شعر با توصیف منظر طبرس در فصل بهار و یادآوری کوهسار و چشمه قنبر آغاز می‌شود و با وصف بیابان طبرس، و اشاره به دو آسیاب ادامه می‌یابد. سپس ضمن شرحی از بی‌مانندی باغ گلشن، به یادآوری برخی دیگر از باغ‌های طبرس می‌پردازد و تصویر خیابانی را ارائه می‌کند که کیفیتی همچون یک تفرجگاه دارد. متون تاریخی بررسی شده و تصاویر هوایی سال ۱۳۳۵ ش (تصویر ۱۴) نشان می‌دهد که این شعر، اجزای پیرامونی باغ گلشن را به درستی برشمرده است. کیفیت اتصال خیابان به سردر و وجود جلوخانی به عنوان واسطه میان این دو علاوه بر عکس هوایی سال ۱۳۳۵، در قطعه

میرزا علی که منشی میرحسن خان بوده است شرح اقدامات او را به این صورت ثبت کرده است: «وی به تنظیمات ملکی پرداخت، در استحکامات طبرس کوشید و حصار طبرس را در کمال متانت کشید و خندقی عمیق و عریض حفر کرد و ارگی رفیع و منبع در سمت جنوبی در نهایت حصانت ساخت و میدان جلو شهر و خیابانی در کمال شکوه طرح ریخت و باغی در بالای خیابان معروف به باغ گلشن احداث کرده، آب طبرس را از آنجا به تقسیم و وضع مخصوصی دو نهر کرد که یکی طرف شمالی شهر و دیگری سمت جنوبی را مشروب می‌نماید» (دانشدوست، ۱۳۶۹: ۹۱). شرح این اقدامات نشان می‌دهد هم‌زمان با ساخت باغ گلشن خیابانی نیز مقابل آن ایجاد شده است. این خیابان را «میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک» در ۱۲۴۹ هجری قمری به طور دقیق‌تری توصیف کرده است: «بیرون دروازه شمالی شهر، درب دروازه، میدانی است. بعد از آن به محاذات دروازه رو به شمال به طول دو هزار و سیصد قدم خیابانی است مستقیم و منتهی می‌شود به باغی که «میر حسن خان» ساخته است، مسمی به باغ گلشن که درب

نمونه‌های قبلی عمارت سردر و جلوخان آن اجزاء مهمی هستند که باغ را با محیط پیرامون ارتباط می‌دهند (تصاویر ۱۵ و ۱۶).



تصویر ۱۶- اتصال جلوخان باغ از طریق میدانی به خیابان طیس براساس عکس هوایی سال ۱۳۳۵ ش (مأخذ: سازمان نقشه‌برداری کشور).



تصویر ۱۵- سردر باغ گلشن. دیده می‌شود که بدنه اصلی، جلوخان باغ را تشکیل می‌دهد (مأخذ: دانشدوست، ۱۳۶۹)

کوه‌هایی در بالادست ارتباط دارند. در برخی نمونه‌ها همچون باغ دولت‌آباد، ارتفاعات مورد بحث در فاصله بیشتری قرار دارد و ممکن است ارتباط بصری چندانی میان باغ و کوهستان وجود نداشته باشد و یا تغییرات در محدوده‌های بالادست، این ارتباط بصری را کم‌رنگ کرده باشد. اما در باغ‌های فین، شاهزاده و گلشن، کوهستان مشرف به دشت، علاوه بر اینکه تأمین‌کننده آب مورد نیاز است، در منظر ایجاد شده توسط باغ نیز نقشی مستقیم و تأثیرگذار دارد. در هر چهار نمونه، کوهستان و منابع آبی آن از طریق قنات با باغ و محدوده پیرامون آن ارتباط می‌یابد. علاوه بر کوهستان و بستر بیابانی که در نمونه‌های مطالعاتی حضور دارند، لازم است شکل و نحوه حضور سایر عناصر را به‌طور دقیق‌تری بررسی کرد.

عکسی از آلبوم «غلامرضا ریاضی» که «دانشدوست» ارائه کرده است، قابل دریافت است. این تصویر نشان می‌دهد که در این‌جا نیز همچون

هم‌نشینی پهنه خشک و بیابانی با ارتفاعات و هدایت آب چشمه‌های جاری از آن با قنات به پایین‌دست، وجود مجموعه‌ای از باغ‌ها در پیرامون باغ اصلی و خیابان، که دست‌کم در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ ش (تصویر ۱۴) مشهود است، بار دیگر ساختار محیطی باغ‌هایی را تداعی می‌کند که یا خود مظهرخانه بوده‌اند و یا نزدیک به مظهر یک قنات قرار داشته‌اند. در این‌جا نیز پهنه دربردارنده باغ اصلی و بهره‌مند از آب چشمه، با پهنه بیابانی پیرامونی خود در تضاد است و نقطه شروع حیات تلقی می‌شود.

۵- بحث در نتایج و یافته‌ها: نگاهی به گستره‌های استقرار

پیش‌تر اشاره شد که محدوده‌های مورد مطالعه، در سرزمینی کم‌آب و بیابانی واقع شده‌اند و با

۱-۵- اجزاء و عناصر درون پهنه‌های مطالعه شده

در هر کدام از نمونه‌های بررسی شده، اجزاء و عناصر مشترکی را می‌توان برشمرد؛ باغ اصلی، قنات و سازه‌های آبی مرتبط با آن، مجموعه‌ای از باغ‌های دیگر، زمین‌های زراعی، خانه‌ها و خانه‌باغ‌ها، جلوخان باغ و خیابان از مهم‌ترین این عناصر هستند.

در نمونه فین، براساس عکس هوایی سال ۱۳۶۳ که شکل اصیل منطقه را نمایش می‌دهد، باغ فین به عنوان باغ اصلی در بالاترین بخش منطقه آباد شده قرار دارد و جز مظهرخانه و یکی دو باغ متصل به آن، عنصر مهم دیگری در محدوده بالاتر از باغ قابل مشاهده نیست. سازمان‌دهی سایر باغ‌ها، مزارع و خانه‌باغ‌ها نیز با مرکزیت باغ اصلی

صورت گرفته است. به طوری که بر گرد آن، حلقه‌ای از باغ‌ها با نظم درونی نسبتاً بیشتر قرار گرفته‌اند و با حرکت از مرکز به حاشیه منطقه آباد شده، از این نظم و همچنین از تراکم محدوده‌های کاشته شده و ساخته شده کاسته شده و حد نهایی آن به آن دسته از زمین‌های مزروعی می‌رسد که در جوار زمین‌های خشک قرار دارد. این مرز میان زمین‌های زراعی و خشک دقیقاً قابل تشخیص است. محدوده مقابل سردر باغ، تعریف‌کننده جلوخانی بوده است و خیابان متصل به آن براساس تصریح ضرابی و نقشه گیرشمن تا باغ کهنه امتداد داشته و پس از این باغ ادامه نیافته است. تصویر ۱۷ عناصر یاد شده در سطح منطقه را نشان می‌دهد.



تصویر ۱۷- باغ فین، مسیر قنات، مجموعه‌ای از باغ‌های پیرامون و مرتبط با آب چشمه سلیمانیه، خانه‌باغ‌ها، مزارع، جلوخان باغ و خیابان متصل به آن در عکس هوایی سال ۱۳۶۳ش (مأخذ: نگارندگان، براساس عکس‌های هوایی سازمان نقشه‌برداری کشور).

اگرچه اطلاعات ما از باغ سید در میانه فاصله باغ شاهزاده تا منطقه تیگران ماهان ناچیز است، اما آن باغ هم بیرون از منطقه آباد شده قرار دارد. سایر باغ‌های پر شمار همه در منطقه تیگران و پایین تر از بخشاب قرار گرفته‌اند و خیابان، مجموعه آن‌ها را به جلوخان باغ شاهزاده متصل می‌کرده و یا در نظر بوده که چنین کند. شکل و ترکیب این ساختار در تصویر ۱۸ نشان داده شده است.

در مورد باغ شاهزاده، همین اجزاء با ترکیب بندی متفاوت دیده می‌شود. این باغ نیز مرکز منطقه تلقی می‌شود؛ هر چند نوع مرکزیتش با گونه‌ای که در فین مشخص شد، تفاوت دارد. در این جا باغ اصلی از مجموعه باغ‌هایی که جملگی از سرچشمه‌ای مشترک آبیاری می‌شوند، جدا و مستقل است و بنابراین مرکزیت آن بیش از اینکه صورت کالبدی داشته، بار مفهومی یا کارکردی و سیاسی دارد.

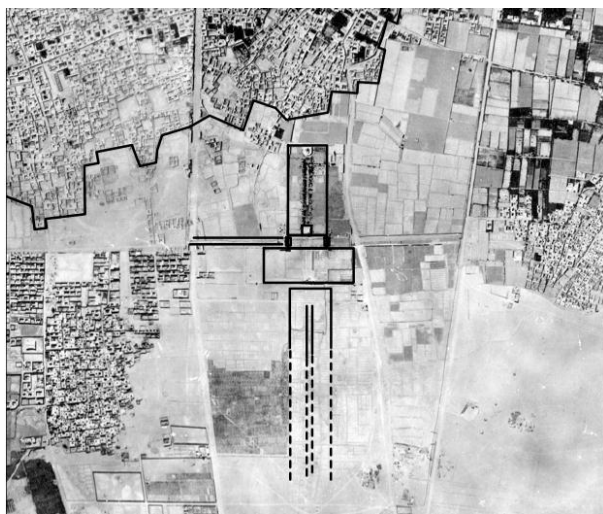


تصویر ۱۸- باغ شاهزاده، باغ و منطقه تیگران و عناصر مختلف در عکس هوایی سال ۱۳۴۷ ش (مأخذ: نگارندگان، بر اساس عکس‌های هوایی سازمان نقشه‌برداری کشور).

باغ ابعاد وسیع‌تری دارد و برخی بخش‌های آن و همچنین محدوده‌های بلا فصل و باغ‌های پیرامونی آن تخریب شده و یا زیر ساخت‌وساز رفته‌اند. با وجود این، دقت در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ و توجه به متون تاریخی، وضعیت را تا حد قابل قبولی روشن می‌کند. اگرچه باغ‌های پیرامونی از

در مورد باغ دولت‌آباد اگرچه عناصر وابسته و مرتبط با باغ از طریق متون تاریخی به خوبی قابل شناخت است، اما تفاوت در ابعاد توسعه یزد نسبت به سایر نمونه‌ها، ارائه تصویری روشن را دشوار می‌کند. در این جا فاصله باغ تا کوهستان بیشتر است و قنات مسیر طولانی‌تری را می‌پیماید. خود

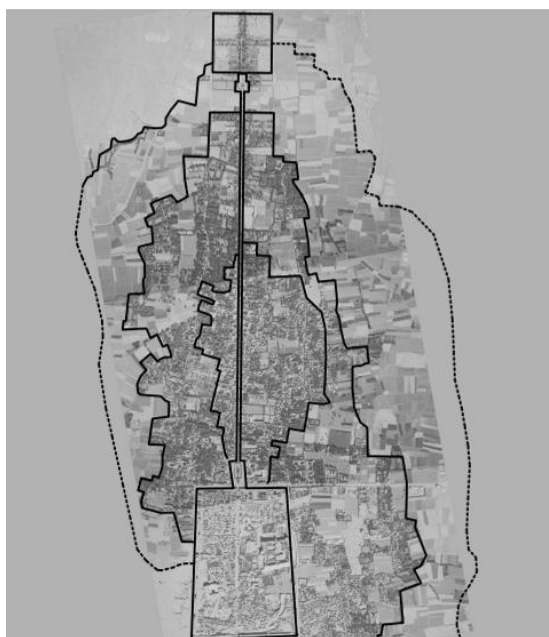
میان رفته اما برخی مزارع کشاورزی در عکس قابل شناسایی‌اند. میدان جلوخان و دو خیابان مرتبط با باغ نیز که از کیفیت منظری برخوردار بوده‌اند به عنوان بخشی از ساختار موردنظر در این محدوده تلقی می‌شوند (تصویر ۱۹).



تصویر ۱۹- باغ دولت‌آباد با محدوده‌های زراعی پیرامون آن، منطقه‌های سکونتگاهی متفاوت و با تراکم زیاد، جلوخان آن و دیگر محدوده‌هایی که به احتمال فراوان خیابان و میدان و چیزهایی از این دست بوده‌اند بر روی عکس هوایی ۱۳۳۵ ش (مأخذ: نگارندگان، بر اساس عکس‌های هوایی سازمان نقشه‌برداری کشور).

علاوه بر باغ‌های سکونتی و خانه‌باغ‌های پیرامون خیابان، از یک سکونتگاه مترکم همچون ارگک طبس نیز برخوردار است. بازشناسی این ساختار از خلال عکس‌های هوایی قدیمی به خوبی ممکن است (تصویر ۲۰). هر چند با وجود تغییرات وسیع دهه‌های اخیر ناشی از رشد شهر و همچنین زلزله ویرانگر سال ۱۳۵۷، تصویرهای امروزی هم چارچوب یادشده را نمایش می‌دهند. این تفاوت‌ها می‌تواند نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری ساختار مورد بحث باشد.

باغ گلشن نمونه دیگری است که عناصر یاد شده را به خوبی و در مقیاس یک شهر کوچک داراست. کوهستان در بالادست، قناتی که آب را به پایین دست می‌رساند، یک ساختاری خطی که باغ گلشن بر ابتدای آن قرار گرفته و خیابانی که باغ را به نقطه مهمی همچون ارگک طبس و یا شهر محصور متصل می‌کند، مشابه ساختاری است که در فین دیده شد. با این تفاوت که در این نمونه، نقطه انتهایی خیابان در فاصله‌ای دورتر و خارج از حلقه باغ‌های پیرامون باغ اصلی قرار دارد و ساختار



تصویر ۲۰- باغ گلشن به مثابه مظهرخانه و بخشاب شهر^{۲۰}، سردر و جلوخان باغ و خیابانی که از جلوخان آغاز می‌شود و تمام طول شهر را طی می‌کند تا به دروازه ارگ متصل شود (مأخذ: نگارندگان، بر اساس عکس‌های هوایی سازمان نقشه‌برداری کشور)

۲-۵- ساختار فضایی مشترک در پهنه‌های

مطالعه شده

دقت در ساختار فضایی پهنه‌های مطالعه‌شده نشان می‌دهد علی‌رغم وجود تفاوت‌هایی جزئی میان عناصر و کیفیت هم‌نشینی آن‌ها، می‌توان ساختاری مشترک میان نمونه‌های مورد بحث یافت و الگویی برای سازماندهی عناصر و اجزای آن‌ها تعریف کرد. نخستین وجه اشتراک، استقرار نمونه‌ها درون پهنه‌ای است که دور یا نزدیک بر کوهی استوار شده و در دامن آن استقرار یافته است؛ در حالی که در جوار آن اراضی لم‌یزرع به‌طور وسیعی قابل مشاهده بوده‌اند و بخشی از بستر باغ و مجموعه مرتبط را شکل می‌داده‌اند. مهم‌ترین دستاورد این موقعیت، تأمین آب از کوهستان و انتقال آن به محدوده‌های پایین‌دست از طریق قنات است. مسیر قناتی که آب را به محل مظهرخانه و یا

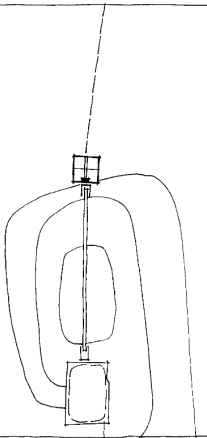
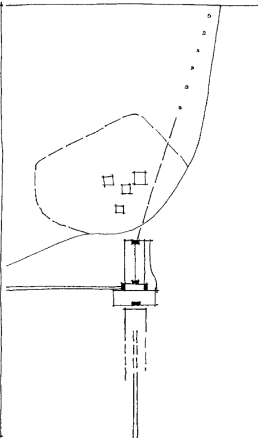
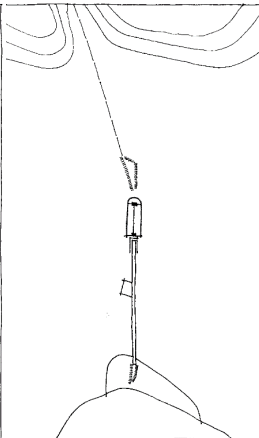
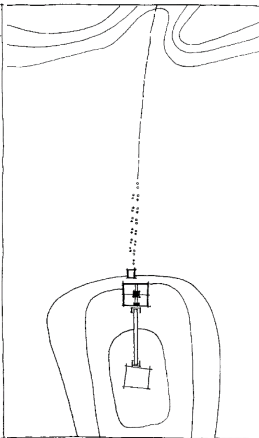
باغ می‌آورد به همراه سازه‌های آبی مرتبط از جمله بخشاب و آب‌انبار و آسیاب عناصر دیگری هستند که میان نمونه‌ها مشترک است. باغ اصلی، محدوده باغ‌های دیگر و خانه‌باغ‌ها، محدوده زمین‌های زراعی، جلوخان و میدان، خیابان و عنصری ثانوی که خیابان ممکن است به آن اتصال یابد، نیز همگی عناصری است که در تمام نمونه‌های مورد بررسی به چشم می‌خورد (جدول ۱). چگونگی ترکیب این عناصر و کیفیت گسترش آن در پهنه مرتبط را به صورت انتزاعی اما قاعده‌مند نشان می‌دهد.

در این ترسیم‌ها، تمام اجزای منتزع از پهنه‌های یادشده در درون یک چهارگوشه ترسیم شده‌اند. باغ و مظهرخانه‌های مستقل و مشخص- در صورت وجود- با ساختاری انتزاعی با خطوط پیرامونی خود نمایش داده شده است. چند محدوده بدون شکل

برداشت از شکل واقعی آنها با خطوط مستقیم نمایش داده شده‌اند و تلاش شده است تا عوارض طبیعی نیز تا حدی مشخص شود. این تصویرهای انتزاعی بازسازی شده، برداشتی بسیار کلی از روابط پیچیده درون محدوده‌ها است.

هندسی نشان‌دهنده سطوح مربوط به محدوده‌های استقرار «خانه‌ها و خانه‌باغ‌ها»، «باغ‌ها» و «کشتزارها» هستند که بر اساس شکل آن‌ها در عکس‌های هوایی و یا نقشه‌های مرجع ترسیم شده‌اند و از بخش‌های درونی آن‌ها که معمولاً با هم هم‌پوشانی نیز دارند، صرف‌نظر شده است. سایر عناصر با

جدول ۱- ترکیب عناصر محیطی در چهار نمونه مورد بررسی (مأخذ: نگارندگان، براساس عکس‌های هوایی سازمان نقشه‌برداری کشور).

			
<p>باغ گلشن، طیس</p>	<p>باغ دولت‌آباد، یزد</p>	<p>باغ شاهزاده، ماهان</p>	<p>باغ فین، کاشان</p>
<p>باغ گلشن، جلوخان، خیابان گلشن و ارگ طیس با میدان مقابل آن و محدوده «خانه‌ها»، «باغ‌ها و خانه‌باغ‌ها» و «مزارع» به صورت سه محدوده تو در تو در پهنه‌ای از بیابان مجاور کوه متکی هستند. تصویر براساس عکس هوایی سال ۱۳۳۵ و «نقشه شهر و باغ‌های طیس» (کتاب طیس شهری که بود، باغ‌های طیس) و با توجه به جهت شیب زمین (از بالا به پائین) ترسیم شده است.</p>	<p>باغ دولت‌آباد، جلوخان، میدان و شکل و جهت احتمالی خیابان‌ها (یکی در پائین و دیگری در سمت چپ). به دلیل توسعه شهر ترسیم محدوده زراعی میسر نیست. در محدوده سکونت متصل به باغ، خانه‌باغ‌ها به صورت حیاط‌های وسیع هستند. تصویر براساس عکس هوایی سال ۱۳۳۵ (۱۹۵۶ میلادی) و با توجه به جهت شیب زمین (از بالا به پائین) ترسیم شده است.</p>	<p>چهارگوشه مماس به خیابان: باغ سید در پایین تصویر، مقسم تیگران، مسیر قنات، جلوخان و خیابان و دو محدوده «باغ‌ها» و «خانه‌ها» نیز در پهنه‌ای از بیابان، در انفضال کامل از باغ اصلی تصویر بر اساس عکس هوایی سال ۱۳۴۷ (۱۹۶۸ میلادی) و عکس هوایی مربوط به دهه ۱۳۵۰ و با توجه به جهت شیب زمین (از بالا به پائین) ترسیم شده است.</p>	<p>سه محدوده تو در تو: مسیر قنات، جلوخان و خیابان، محدوده «خانه‌ها و خانه‌باغ‌ها»، «باغ‌ها» و «مزارع» در پهنه‌ای از بیابان که به کوه‌های در برگیرنده کوه دندان متکی هستند. تصویر براساس عکس هوایی سال ۱۳۶۳ (۱۹۸۴ میلادی) و با توجه به جهت شیب زمین (از بالا به پائین) ترسیم شده است.</p>

۶- نتیجه گیری

بررسی‌های این مقاله نشان می‌دهد که در مقیاسی کلان، پهنه دربردارنده باغ‌های مظهرخانه‌ای، بیابانی خشک و کم‌آب با کوهستانی در فرادست و مسیر قناتی است که آب را از کوهستان به پایین دست هدایت می‌کند. در نمونه‌های مورد بررسی در این مقاله، در محل ظهور آب قنات یاد شده بر روی زمین، باغ‌هایی شکل گرفته است که علاوه بر محیط داخل، پهنه بیرونی‌شان نیز شکل و ساختار قابل شناسایی دارد. براساس مطالعه نمونه‌ها، دست‌کم پیرامون چهار نمونه مطالعه شده از این باغ‌ها اجزا و عناصر مشخصی وجود دارد؛ میدان یا جلوخان، خیابان و بناهای مرتبط با آب نظیر آب‌انبارها، بخشاب‌ها و آسیاب‌ها از جمله این عناصر هستند. عناصر یاد شده در هر یک از چهار باغ مورد بررسی متمایز از دیگری است. به عنوان نمونه جلوخان در باغ فین، فضایی خرد است؛ اما در باغ دولت‌آباد، در ترکیب با عمارت‌های سه‌گانه سردر صورت مفصل‌تری می‌یابد. سایر اجزاء نیز به همین صورت هستند و در عین داشتن ماهیت یکسان، از حیث ظاهر با هم تفاوت‌هایی دارند. یافته‌های این پژوهش روشن می‌کند که تنها تشابه عناصر موجود در پیرامون باغ‌های مظهرخانه‌ای مطرح نیست؛ بلکه طرز هم‌نشینی و ترکیب این عناصر با یکدیگر نیز مشابه است. گویی همگی از ساختار و الگوی معینی پیروی می‌کنند. این ساختار در برخی نمونه‌ها گسترده است و پهنه وسیعی را شامل می‌شود و گاه خردتر است و محدوده کوچک‌تری را در بر

می‌گیرد. از سویی این ساختار در همه نمونه‌ها دقیقاً یکسان نیست و بسته به موقعیت و نیازها تغییراتی در آن‌ها ایجاد شده است. اما در هر صورت طرح کلی آن‌ها مشابه و مشترک است و یک ساختار مشخص را تداعی می‌کند. در ساختار یاد شده، باغ اصلی که خود نقش مظهرخانه را ایفا می‌کند یا به مظهرخانه بسیار نزدیک است، در نقطه‌ای کانونی و مسلط بر عرصه دربرگیرنده ساختار مورد نظر و عناصر وابسته به آن قرار دارد. از دیگر اجزای پهنه می‌توان به باغ‌های مجاور و نزدیک به باغ اصلی که گاه فضاهای ساخته شده‌ای در میان دارند و خانه‌باغ تلقی می‌شوند اشاره کرد. علاوه بر این خانه‌باغ‌ها، باغ‌ها و زمین‌های زراعی اجزای دیگری هستند که در فواصل دورتر از باغ اصلی و در حاشیه پهنه مورد نظر و طرفین خیابان استقرار یافته‌اند. باغ اصلی خود از طریق سردر و جلوخان با بیرون ارتباط می‌یابد و سپس به واسطه خیابان متصل به جلوخان یا میدان مقابل آن به بنایی در پایین دست می‌رسد یا تا موقعیتی مشخص امتداد می‌یابد. سایر اجزا هم چون آب‌انبارها، بخشاب‌ها و آسیاب‌ها نیز در امتداد خیابان و در ارتباط با آن قرار دارند. اگرچه کل در مقیاسی وسیع، محدوده شکل خود را بیشتر از پهنه باغ‌ها و مزارع پیرامون و کنارهم قرارگیری آنها کسب می‌کند، در مقیاسی ریزتر خیابان و عناصر متصل به آن شکل قابل فهمی از یک ساختار محیطی عمدتاً خطی را نمایان می‌سازد. حاصل این بررسی، شناختی نسبی از محیط پیرامون و قلمروی دست‌کم برخی باغ‌های رسمی بهره‌مند از آب قنات است و می‌تواند برای

درک بهتر ما از چنین باغ‌هایی به کار آید. بررسی نمونه‌های بیشتری از باغ‌های رسمی و غیررسمی و دیگر باغ‌هایی که بهره‌مند از آب قنات و یا جز آن هستند، مشخص می‌شود.

پژوهش به سایر باغ‌ها، موضوعی است که از حدود این نوشتار خارج است و در پژوهش‌های آتی با

پی‌نوشت‌ها

۱. برای اطلاعات بیشتر نک: مهوش عالمی، باغ‌های دوره صفویه: گونه‌ها و الگوها؛ مهوش عالمی، باغ ایرانی: انواع و شکل‌ها؛ احسان اشراقی، توصیف دولتخانه و کاخ‌ها و باغ‌های صفوی در منظومه‌های عبدی بیگ نویدی، شاعر دوران شاه تهماسب اول و حمیدرضا جیحانی و مریم رضایی‌پور، منظر باغ، فصل سوم.

۲. برای اطلاعات بیشتر اصفهان و شیراز نک: مهوش عالمی، باغ‌های شاهی عهد صفوی و روابط آنها با شهر؛ مهوش عالمی، رابطه باغ‌های حکومتی و شهر در شیراز دوره صفوی؛ و همچنین برای تبریز و قزوین نک:

Sussan Babaie, *Isfahan and its Palaces*.

Maria Szuppe, *Palais et Jardins*.

3. Pascal Coste

4. Maxime Siroux

5. Roman Ghirshman

6. Meyron Bement Smith

۷. نک: عبدالرحیم ضرابی، تاریخ کاشان، ص ۷۷.

۸. این تصویر که حاصل یک بررسی میدانی است، در سال ۱۳۵۵ خورشیدی توسط فایق توحیدی تهیه و ضمیمه پرونده ثبتی باغ فین شده است.

۹. تألیف کتاب میان سال‌های ۱۲۹۱ و ۱۲۹۳ هجری قمری بوده است. نک مقدمه باستانی پاریزی، جغرافیای کرمان، ص ۸۲.

۱۰. محمدابراهیم باستانی پاریزی از این متن به عنوان جزئی از کتب کتابخانه استاد علی اصغر مهدوی یاد می‌کند. کتابی است بدون عنوان در باب دهات استان کرمان و شامل ۱۵۰ صفحه و تقریباً در همان روزگاری نوشته شده است که جغرافیای وزیري تحرير یافته است. نک: توضیحات محمد ابراهیم باستانی پاریزی در ابتدای متن مذکور در داخل جغرافیای کرمان، ص ۳۵۱.

۱۱. در تذکره صفویه کرمان تألیف میر محمد سعید مشیزی (بردسیری)، از آب تیگران ماهان نام برده شده است. نک: میرمحمد سعید مشیزی، تذکره صفویه کرمان، ص ۴۴۵.

۱۲. مطابق کتاب تاریخ کرمان، در سنه هزار و دویست نود و هشت، بر حسب استدعای شاهزاده «نصرت‌الدوله فرمانفرما»، «شاهزاده حمید میرزای ناصرالدوله» به حکومت کرمان منصوب شد (وزیری کرمانی، ۱۳۴۰: ۶۲۹) و «شاهزاده ناصرالدوله» در سال یازدهم حکومت خود در گذشت (وزیری کرمانی، ۱۳۴۰: ۶۳۴).

۱۳. برای اطلاع از فهرست دقیق تر نک: جعفرین محمدبن حسن جعفری، تاریخ یزد، ص ۱۶۷ تا ۱۷۶.

۱۴. برای اطلاعات بیشتر و نسخه ویرایش شده دیگری از وقف‌نامه نک: ایرج افشار، یادگارهای یزد: معرفی ابنیه تاریخی و آثار باستانی جلد دوم.

۱۵. «و از جمله مبانی مستحکمه آن معمارسرای اقتدار کاروانسرائی است که سمت ملاحقت و مصاقبت بر آن مصنعه و طاحونه دارد، خارج شهر فرموده‌اند و محط رحال کاروانان اصفهان و کاشان و طهران و قزوین و سمنان و دامغان و آذربایجان و نظایر آنها می‌باشد و با آن طاحونه و مصنعه مزبوره در یک محل واقع می‌باشد. کاروانانی که رحل توقف در آن می‌کشایند و به تجرع

زلال صافی آب انبار آن مسکن آتش عطش درون و غلیل سینۀ سوزان می گردند، روان پاک بانی سعادت مبانی را به طلب هزاران هزار مغفرت از درگاه حضرت قدس خلایق شاد می نمایند.» نک: محمدجعفر بن محمد حسین نائینی، جامع جعفری، ص ۳۶۸.

۱۶. مستطیل وسیع باقیمانده منطبق بر محور اصلی باغ و سردر آن، همچنان موجودیت خود را حفظ کرده است. این مسأله شاید نشان از تفاوت ماهوی این محدوده با سایر محوطه‌های وقفی اطراف آن دارد که امروزه همگی زیر ساخت و ساز رفته‌اند.

۱۷. برای اطلاعات بیشتر نک: ابوالقاسم بن احمد جیهانی، اشکال‌العالم، ص ۱۵۷؛ ابن حوقل، صورہ الارض، ص ۱۸۰؛ ابواسحق ابراهیم اصطخری، مسالک و ممالک، ص ۲۱۶؛ حمدالله مستوفی، تاریخ گزیده، ص ۱۷۸.

۱۸. امینی در ادامه توضیح می‌دهد که یکی از نهرها به نام «بازگ»، زمین‌ها و باغ‌های سمت شمال خیابان را آبیاری می‌کند و دیگری به نام نهر «اچّه» به سمت جنوب خیابان حرکت می‌کند. مجموعه آب نهرین طبس به نوزده هزار و نهصد و نود و دو سهم (یا فنجان) تقسیم می‌شود که این سهم‌ها با سند مالکیت رسمی عمدتاً به خرده مالک‌ها تعلق دارد و تعداد ۶۰۰۰ سهم از آب طبس موقوفه می‌باشد که باید بر اساس نظر واقف به مصرف برسد. نک: محمود امینی، جغرافیای تاریخی شهرستان طبس، ص ۲۸۵ و ۲۸۶.

۱۹. برخی ابیات قطعه شعر یادشده چنین است:

«فصل نوروز و گل و لاله ز کهسار خوش است / چشمۀ قنبر و آب از دهن کار خوش است
ما چنین معجزه دیدیم در این کوه و کمر / نعرۀ شیر خدا حیدر کرار خوش است
در بیابان که دگر آب و گلی پیدا نیست / آسیابان دو دندان پر از بار خوش است
باغ گلشن که ندارد به جهان ماندی / گل نارنج و ترنج جمله به خروار خوش است
باغ عباسقلی خان و دگر باغ رشید / پس دیواره او بیشۀ نزار خوش است
به خیابان چو رسیدی تک و تنها تو مرو / که خیابان طبس همره دلدار خوش است
دم دروازه که طاقش به خراسان طاق است / سر کنگارۀ او توپ شرربار خوش است
چو به بازار رسیدی کمی آهسته برو / آب سرد و خنک و چشمۀ عطار خوش است ...» برای متن کامل شعر نک: یعقوب دانشدوست، طبس شهری که بود، باغ‌های طبس، ص ۵۱.

منابع

- ابن حوقل. (۱۳۴۵). صورہ الارض. ترجمۀ جعفر شعار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- اشراقی، احسان. (۱۳۸۷). توصیف دولت‌خانه و کاخ‌ها و باغ‌های صفوی در منظومه‌های عبدی بیگ نویدی، شاعر دوران شاه تهماسب اول. فرهنگ، ویژه تاریخ، ۲۱ (۶۸)، ۴۱-۵۸.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم. (۱۳۴۰). مسالک و ممالک. به کوشش ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- افشار، ایرج. (۱۳۷۴). یادگارهای یزد: معرفی ابنیۀ تاریخی و آثار باستانی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- امینی، محمود. (۱۳۸۴). جغرافیای تاریخی شهرستان طبس. یزد: نیکوروش.
- فهرست آثار ملی ایران، پروندۀ ثبت باغ فین به شماره ۲۳۸.
- جعفری، جعفر بن محمد. (۱۳۴۳). تاریخ یزد. به کوشش ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- جیحانی، حمیدرضا و مریم رضایی‌پور. (۱۳۹۶). منظر باغ، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات و دانشگاه کاشان.

- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد. (۱۳۶۸). اشکال‌العالم. ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، با مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری. مشهد: شرکت به‌نشر، انتشارات آستان قدس رضوی.
- حسنعلیان، داود. (۱۳۸۱). مقاله پیوست نشریه گزارش ماه (نشریه داخلی سازمان میراث فرهنگی). گزارش ماه. شماره ۲۳.
- دانشدوست، یعقوب. (۱۳۶۹). طیس شهری که بود، باغ‌های طیس. تهران: سروش.
- دانشدوست، یعقوب. (۱۳۸۳). باغ گلشن (در کتاب باغ ایرانی، حکمت کهن، منظر جدید). تهران: موزه هنرهای معاصر.
- رضائی‌پور، مریم و هما ایرانی بهبهانی. (۱۳۹۵). باغ کهنه فین و محدوده میان آن تا باغ فین. مطالعات معماری ایران، جلد ۱ ش ۷، ۹-۲۳.
- ساروخانی، زهرا. (۱۳۹۱). کاشان قدیم به روایت تصویر. کاشان: سوره تماشا.
- شیخ‌الحکامی، عمادالدین. (۱۳۸۸). اسناد معماری ایران، دفتر اول؛ وقف‌نامه قنات دولت آباد یزد. تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن».
- ضرابی، عبدالرحیم کلانتر (سهیل کاشانی). (۱۳۷۸). تاریخ کاشان. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- عالمی، مهوش. (۱۳۸۵). باغ‌های دوره صفویه: گونه‌ها و الگوها. ترجمه محسن جاوری. صفه، سال دوم، ش ۳ (شماره پیاپی ۵). ۷۲-۹۱.
- عالمی، مهوش. (۱۳۹۶). رابطه باغ‌های حکومتی و شهر در شیراز دوره صفوی. مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی باغ ایران، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- عالمی، مهوش، (۱۳۷۷). باغ‌های شاهی عهد صفوی و روابط آنها با شهر. معماری و شهرسازی، ش ۴۲ و ۴۳.
- قمی، حسن بن محمد. (۱۳۸۱). تاریخ قم. به تصحیح جلال‌الدین تهرانی. تهران: توس.
- گیرشمن، رومن. (۱۳۷۹). سیلک کاشان. ترجمه اصغر کریمی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی‌بکر بن احمد بن نصر. (۱۳۶۲). تاریخ گزیده. به اهتمام عبدالحسین نوائی. تهران: امیرکبیر.
- مشیزی (بردسیری)، میر محمد سعید. (۱۳۶۹). تذکره صفویه کرمان. مقدمه و تصحیح و تحشیه محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: علم.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد. (۱۳۶۱). احسن‌التقاسیم فی معرفه‌الاقالیم، جلد دوم. ترجمه علینقی منزوی. تهران: مؤلفان و مترجمان ایران.
- مهربانی، کاوه و سارا مهرعلی‌زاده. (۱۳۹۶). معرفی پروژه باغ شاهزاده ماهان، در کتاب مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی باغ ایرانی، به کوشش فریار جواهریان و فاطمه حیدری، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- مهریار، محمد و دیگران. (۱۳۷۸). اسناد تصویری شهرهای ایرانی در دوره قاجار. تهران: دانشگاه شهید بهشتی و سازمان میراث فرهنگی کشور.
- عالمی، مهوش. باغ ایرانی: انواع و شکل‌ها؛ در باغ‌های اسلامی، معماری، طبیعت و مناظر، به کوشش آتیلیو پتروچیولی، ترجمه مجید راسخی، ۱۳۹۲، انتشارات روزنه.
- میرفندرسکی، محمدامین. (۱۳۸۰). باغ در مفهوم باغ. هفت‌شهر، دوره ۱ (۳)، بهار ۱۳۸۰، ۴-۱۳.
- میرفندرسکی، محمدامین. (۱۳۸۳). باغ شاهزاده (در کتاب باغ ایرانی، حکمت کهن، منظر جدید). تهران: موزه هنرهای معاصر.
- نائینی، محمد جعفر بن محمد حسین «طرب». (۱۳۵۳). جامع جعفری (تاریخ یزد در دوران نادری، زندگی و عصر سلطنت فتحعلیشاه). به کوشش ایرج افشار، تهران: انجمن آثار ملی.
- نیک‌زاد، ذات‌الله. (۱۳۹۰). باغ دولت‌آباد یزد. اثر، ش ۵۴. پاییز ۱۳۹۰، ۹۳-۱۱۲.

- وزیر کرمانی، احمدعلی خان. (۱۳۸۵). جغرافیای کرمان. تصحیح و تحشیه محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: علم.
- Babaie, Sussan. (2008). *Isfahan and Its Palaces: Statecraft, Shi'ism and the Architecture of Conviviality in Early Modern Iran*, Edinburgh: Edinburgh University Press.
 - Pascal Coste Manuscript, Bibliotheque municipale de Marseille. All rights reserved
 - Szuppe, Maria. (1996) "Palais et Jardins: Le Complexe Royal Des Premiers Safavides à Qazvin, Milieu XVIe-début XVIIe Siècles." *Res Orientales* 8 :143 & ndash;177.
 - The Meyron Bement Smith Collection, Freer Gallery of Art and Arthur M. Sackler Gallery Archives, Smithsonian Institution, Washington, D.C.